

تیشتر ملک باران و دیوان مازندران. در سقانفارها اغلب نقوش مقدس باستانی یا انگاره‌هایی کهن از اساطیر ایرانی دیده می‌شود



در یشت هشتم اوستا آمده  
است که تیشتر ستاره‌ای است  
سپید، درخشنده و نورپیدا،  
سرشت آب دارد، توانا و  
نژادش از آیم نیات است

فرس هخامنشی تیگری Tigri و در اوستا Tighri خوانده می‌شود.<sup>۲</sup>  
در یشت هشتم اوستا آمده است که تیشتر ستاره‌ای است سپید، درخشنده و نورپیدا، سرشت آب دارد، توانا و نژادش از آیم نیات است. سرور همه‌ی ستاره‌ها و در ستایش و نیایش همسنگ هرمزد آفریده شده که اگر چنین نمی‌بود پری خشکسالی همه جا را از میان می‌برد. اگر او را بستایند دشمن و گردونه‌ها و درفش‌های ایشان و بیماری‌ها به سرزمین‌های آریایی وارد نخواهد شد. طلوعش همزمان با تازش دوباره‌ی چشمه‌های آب است. در ده شب نخستین به پیکر مردی جوان و پانزده ساله در آسمان خواهد درخشید. در ده شب دوم به پیکر گاوی زرین شاخ و در ده شب سوم به پیکر اسبی سپید با گوش‌های زرین و لگام زرین خواهد درخشید و آنگاه به دریای فراخکرد خواهد رفت، با اپوش دیو خواهد جنگید و نخست از او شکست خواهد خورد و سپس به باری هرمزد بر او پیروز می‌شود. سپس دریا را به موج و جنبش، خروش و طغیان درآورده و ابر از دریا برخاست و باد آن ابر را به بوم‌ها خواهد راند و باران خواهد بارید.

مهرداد بهار در این مورد می‌گوید: از آنجا که طلوع بامدادی تیشتر در افق بخش‌های جنوبی نیمکره شمالی در آغاز تابستان است که خورشید در برج خرچنگ قرار دارد، فصلی که همزمان با باران‌های موسمی در هند و آغاز سیلاب‌ها و طغیان‌های رود نیل است، نوعی ارتباط میان تیشتر، آب و برج خرچنگ پدید آمده و احتمال دارد که اسطوره‌های تیشتر در ارتباط با باران، با مصر یا هند ارتباط داشته و به ما رسیده است، زیرا در ایران نیز فصل باران‌ها از آغاز پاییز شروع می‌شود و در این هنگام تیشتر در آسمان اوج گرفته است. وی در رابطه با سه پیکر گشتن تیشتر این پرسش را مطرح می‌کند که تیشتر در ده شب اول به پیکر مرد پانزده‌ساله‌ی درخشان با چشم‌های روشن، بلندبالا و بسیار نیرومند و چست در فروغ پرواز می‌کند و در ده شب دوم نیز به شکل یک گاو زرین شاخ در فروغ پرواز می‌کند و در ده شب سوم نیز به پیکر یک اسب سفید زیبا با گوش‌های زرین و لگام زرنشان در فروغ پرواز می‌کند. اما ستاره‌ی بهرام نیز به ده‌پیکر در می‌آید که ابتدا به پیکر باد تند، دوم به پیکر گاونر با شاخ‌های زرین و سوم به پیکر اسب سفید و زیبا با گوش‌های زرین و لگام

و از باران او هستند.»<sup>۲</sup>

او را به اشتباه بستر و میکابیل نیز نامیده‌اند چنانچه دقیقی در لغت فرس گوید:  
بستر (= تشر) راد خوانمت شرک است

او چو توکی بود به گاه عطا

و آنچه از شمس فخری در فرهنگ جهانگیری آمده است که:

می‌رساند به خلق دست رزق

بی‌تقاضا و منت بستر (= تشر)

در پرتو تلاش این فرشته است که زمین از موهبت باران برخوردار می‌شود و کشتزارها سیراب می‌گردند. و شاید به همین دلیل نویسندگان ایرانی و عرب او را فرشته رزق و روزی دانسته‌اند و آن را میکابیل نامیده‌اند.

همان طور که گفته شد اوستا یکی از زیباترین قطعاتش یعنی تیریشتر را به نیایش فرشته‌ی باران اختصاص داده است. تیر فرشته‌ی باران را نباید با تیر دیگری که در عرب به آن سهم گویند اشتباه کرد، چرا که تیر در این معنی در

# تیشتر ایزد باران، بیک خدایان

○ نسرین مقامی



تیریشت در میان یشتهای اوستا از ناشناخته‌ترین آنهاست و نشان می‌دهد که در این یشته آمیختگی‌های زیادی از طرف یشته‌های دیگر در آن راه پیدا کرده است. یشته‌ی که در آن با ایزد تیشتر روبه‌رو می‌شویم، ایزدی که درباره‌ی چیستی آن هنوز هم پرسش‌هایی وجود دارد. در بند هشت درباره تیر و تیشتر با این دیدگاه برخورد می‌کنیم که:

تیر همان اپوش دیو است که بر علیه تیشتر به مبارزه برخاست، یا اپوش تیر نیست و یا تیر همان ایزد تیشتر باران‌آور است. در تیریشته می‌بینیم که: «تیشتر ستاره شکوهمند را می‌ستاییم که شتابان و چالاک به سوی دریای فراخکرت می‌تازد، بسان تیرپران آرش تیرانداز...» و تیزرو تیر عاملی شد که آن را پیکان خدایان بنامند.

رد این ایزد آب در سرزمین‌های دیگر را با نام‌هایی از ریشه‌ی تیر و یا آغاز شده با «ت - آ» می‌توان دید.

در کشور هتیت‌ها «تارو» ایزد آسمانی آب و هوا بود. زیرا پرآبی و فراوانی، خشکسالی و کمیابی فرآورده‌های کشاورزی، و توفان و آذرخش و تندر را از او می‌دانستند. درباره ایزد تارو دو نکته دیده می‌شود یکی همانندی نام و کردار آن با تیر که هم پرآبی و هم خشکسالی به دست اوست و جایی نیز نقش تیر و تیشتر را بازی می‌کند و دیگر آنکه، کلاه تارو، به ویژه ایزدانی که او را بر دوش دارند، همسان کلاه میترا (مهر) است. در نزدیکی شهر وان بر روی صخره‌ای به نام دروازه محر (مهر؟) نام یکی از خدایان مهم به نام «تیشتربان» به عنوان خدای آب، باران، سیلاب، توفان و جنگ دیده می‌شود. شاید پیشوند نام «تیامات» موجود اژدهاقش در اسطوره‌های بابلی از همان ریشه باشد به خصوص که تیامات مظهر آب‌های تاریک و ویرانگر است و نیز تیفون هم‌اورد زئوس در قوم سلط نام خدای رعد «تاران» و در طوایف ژرمن «تیزرتو» است. در نوشته‌های کهن به خط هیروگلیف پیش از عصر بابل (عصر سومر) آب پاشیدن و تبرک با آب «نام - تار» خدای سرنوشت نامیده می‌شد. در اسطوره‌های اسکندیناوی ایزدی به نام «ثور» خدای رعد و باران و باروری و دارای پتکی است که از شهرت گرز گاو سر فریدون برخوردار است و همچنین تیر ایزدی که خدای جنگ است.<sup>۱</sup>

در آیین زردشتی از تشر که در پهلوی به آن تیشتر Tistar گفته می‌شود،

به عنوان فرشته باران، فرشته‌ی موکل باران و ستاره‌ی مخصوص باران که با دیو قحطی و خشکسالی نبرد می‌کند یاد شده است. در فارسی از آن به تیر یا تشر نام برده می‌شود. یکی از کهن‌ترین داستان‌های اساطیری نبرد تیشتر با اپوش است، تیشتر ایزدی است که حیوانات وحشی بیابان‌ها پیروزی او را بر اپوش می‌خواهند. تیشتر، خدای باران که به صورت ستاره شعرای یمانی یا کلب اکبر تجسم می‌یابد نزد اروپاییان سیریوس Sirius نامیده می‌شود و در شرق و به ویژه در ماه‌های تیر و مرداد و شهریور پیش از طلوع خورشید دیده می‌شود و از ایزدان مزدیسنا و نگهبان باران است. چنان چه آمده است:

«تشر ستاره شعرای یمانی است که نزد اروپایی‌ها سیریوس نامیده شده است و به گفته پلوتارک مورخ یونانی هرمزده سیریوس را نگهبان و پاسبان سایر ستارگان قرار داد. در تشر یشته نیز اهورامزدا تشر را سرور همه ستارگان قرار داده است. تشر ستاره قلب الاسد است، ستاره‌ای که میان تابستان طلوع کرده و بر آسمان می‌درخشد. تشرینی نام دسته‌ای از ستارگان است که نزدیک تشر



است. از این روی است که تیرماه، چهارمین ماه سال است. تیشتر، باد را به یاری خواست و بهمن و هوم به راهبری و بُرز آبان ناف به همکاری واردای فرورد به پیمانهداری، به گرد هم آورده شدند. تیشتر به سه پیکر گشت که هست: مرد پیکر، گاو پیکر و اسب پیکر، به هر پیکری ده شب اندر روشنی پرواز کرد، و سی شب باران را به نابود ساختن خرفستان (= جانوران، مودی) به دهشت، سرشکان (= قطرات) جداجا چون تشتی بزرگ بودند که بدان آب برداشته شود.<sup>۴</sup> آمده است که در این زمانی که بارندگی ادامه داشته است، دیوهای اسپنچروش یا سپینچگر<sup>۵</sup> و اپوش بر علیه تیشتر کوشیدند آتش وازیشه از گرز تیشتر شراره کشید و سپینچگر را نابود کرد و با ضربتی که از گرز برسپینچگر فرود آمد، خروشی از او برخاست، همان خروشی که هنوز هم از بارندگی رعد شنیده می‌شود. تیشتر در طول ده شبانه روز باران ریخت و هرگونه چرک و سم که از جانوران مودی بر روی زمین مانده بود با آب مخلوط شد و به همین دلیل آب شور به وجود آمد. اما به جز اپوش، عده‌ای از پری‌ها نیز با تیشتر به جنگ پرداختند، اما شکست خوردند. یکی دیگر از کسانی که با تیشتر جنگید دژ یا ئیریه<sup>۶</sup> همان دیو قحطی و بدسالی است و از تیشتر پشت برمی‌آید که او از جمله پریان بوده و تیشتر نیز چون در برابر او مقاومت کرد مورد تقدیس و احترام قرار گرفته است.

همان‌گونه که دیده شد خدای باران‌ها پیروز شده و دشت‌های سرتاسر جهان سیراب می‌شوند و بخاری که از دریا برمی‌خیزد، همراه با نیروی باد، به شکل ابرها به پیش حرکت می‌کند. درباره نام‌گذاری چهارمین ماه تقویم ایرانی به نام خدای تیشتر، یعنی تیر و اینکه جشن تیرگان در گرمی‌داشت جشن باران برگزار می‌شده است و در مورد اینکه چگونه است که باران آور بودن خدای تیشتر هم‌زمان با آغاز فصل تابستان است، مهرداد بهار می‌گوید: اما قرار گرفتن ماه تیر (که ماه تیشتر است) در آغاز تابستان نیز معضل دیگری است. اگر تیشتر ایزد باران آور است، اول تابستان در ایران و آسیای میانه فصل باران نیست و این نیز به سبب اغتشاش در کار گاه شماری است یا به سبب به هم آمیختن اطلاعاتی است که از منشأ واحدی سرچشمه نمی‌گرفته است. به گمان نگارنده (که ممکن است به علت بضاعت مزجانش در کار نجوم، از نادانی باشد) مجموعه‌ی اطلاعات نجومی ما درباره تیشتر پاره‌ای، ایرانی باستان و بدون ارتباط با فرهنگ بین‌النهرین است (مسأله به سه پیکر گشتن تیشتر و بهرام که در حقیقت تیر و بهرام است) و پاره‌ای شاید زیر تأثیر تقویم مصر و هندوستان باشد (اول تابستان قرار گرفتن ماه تیر و ارتباط آن با برج خرچنگ) و شاید به جلو کشیده شدن سه ماهه‌ی تقویم که بر اثر آن، تیر از اول پاییز به اول تابستان افتاده است. و سرانجام تداخل اطلاعات مربوط به تیر و تیشتر (به سه پیکر گشتن تیشتر).<sup>۷</sup> باشد.

#### پاورقی:

۱. امید عطایی. نبرد خدایان، انتشارات عطایی، ۱۳۷۷. ص ۱۳۰.
  ۲. رحیم عقیفی. اساطیر و فرهنگ ایرانی، انتشارات توس، ۱۳۷۴، ص ۴۷۴.
  ۳. ابراهیم پورداود. فرهنگ ایران باستان (بخش نخست). دانشگاه تهران، ص ۵۸.
  ۴. مهرداد بهار. پژوهشی در اساطیر ایران. انتشارات توس، ۱۳۶۲، ص ۳۲.
  ۵. جان هینلز. شناخت اساطیر ایران، نشر آویشن - نشر چشمه، ۱۳۷۵، ص ۳۸.
  ۶. رحیم عقیفی. اساطیر و فرهنگ ایرانی. انتشارات توس، ۱۳۷۴، ص ۴۷۶.
- Y- Spincakar  
 ۸- Duzyairga  
 ۹. مهرداد بهار. پژوهشی در اساطیر ایران. انتشارات توس، ۱۳۶۲، ص ۳۳.

زرین است. در مقایسه‌ی این دو، تنها پیکر نخستین است که مشترک به نظر نمی‌رسد. اما اگر توصیفی را که در متن‌های پهلوی درباره‌ی باد آمده است در نظر بگیریم، آشکار می‌شود که این هر دو نیز یک پیکرند.<sup>۴</sup>

اسطوره تیشتر و ریشه‌های آن در سینه‌های ایرانیان یافت می‌شود. در تیریش تیشتر باید بر اپوش دیوخسکی فائق آید. نبردی در سه مرحله که تیشتر برای شکست اپوش درخواست قربانی و خون می‌کند و گوشت قربانی نباید به افراد ناشایست داده شود. سیزده‌تیر روز پایان نبرد با اپوش و پیروزی تیشتر است. با پیروزی تیشتر، باران شروع به بارش کرده و تمامی حیوانات سمی کشته می‌شوند و زهر آنها به دریا می‌ریزد و به همین دلیل آب دریا شور شده و با شکست اپوش رفاه و حاصلخیزی به وجود می‌آید.

نبرد تیشتر با اپوش ابتدا سه شبانه روز ادامه پیدا می‌کند، اما اپوش نیرومندتر است و تیشتر با اندوه به اهورامزدا شکوه می‌کند که ناتوانی او به این دلیل است که برای او نیایش‌ها و قربانی‌های شایسته از طرف مردم داده نشده است. به همین دلیل اهورامزدا خود برای تیشتر قربانی می‌کند و به اندازه‌ی نیروی ده اسب، ده گاو نر، ده شتر، ده کوه و ده رود در او میدیده می‌شود. در برخورد دوم تیشتر با اپوش، این بار تیشتر پیروز می‌شود و آب‌ها بدون مانعی به چراگاه‌ها و مزارع راه پیدا می‌کنند.

سپس باد ابرهای باران‌زا را که از دریای کیهانی برمی‌خاست به این سو و آن سو راند و بارانی حیات‌بخش در هفت اقلیم بر زمین فرو ریخت.

در بندهشن و سرود ویژه تیشتر عمل حیات‌دهنده او از جهات مختلف توصیف شده است چنان چه آمده: در بندهشن وی ایجادکننده‌ی اولیه‌ی باران و دریاها و دریاچه‌هاست. در تیشتر یشت تکیه بر این است که در گردش سالانه‌ی طبیعت، تیشتر سرچشمه‌های دائمی آب‌ها و کسی است که فرزند عطا می‌کند، جادوگران رادرمه شکسته، سرور همه‌ی ستارگان و حامی سرزمین‌های آریایی است. به اهمیت آن موجود یا ستاره‌ای که بر زمان ریزش باران نظارت دارد، آنگاه می‌توان پی برد که آفت بزرگی را به یاد آوریم که ناشی از گرمای تابستان و خشکسالی است و سرزمینی با بیابان‌های گسترده را تهدید می‌کند. اسطوره نبرد تیشتر با اپوش تا حدودی باور ایرانیان را در مورد مناسک نیز بیان می‌کند. زیرا آنان بر این باور بودند که قربانی‌هایی که درست انجام گیرد و به خدایان تقدیم گردد، خدایان را نیرومند و قوی می‌سازد و موجب می‌شود که قربانی‌ها در پی هم آمدن منظم فصول را ضمانت کنند. تنها هنگامی که قربانی‌ها تیشتر را به یاری بخوانند، خشکسالی مغلوب شده و باران می‌تواند به جهان زندگی دهد. نتیجه این نبرد میان نیروهای زندگی و مرگ بستگی دارد به این که آدمی با ایمان وظایف خود را در اجرای مناسک به جای آورد.<sup>۵</sup>

در گزیده‌های زاداسپرم نیز می‌خوانیم که: گسترش آفرینش با تیشتر اختر است که اختر چهارم و خدای آب است. تیشتر فرشته آراینده و خدای ماه چهارم